

عنوان مقاله:

قلمرو مسائل فلسفه اولی و چالشهای آن

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهش های معرفت شناختی، دوره 4، شماره 9 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

موسی ملابری - دانشیار گروه فلسفه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

سعیده سعیدی - دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

خلاصه مقاله:

دانش علمشناسی یا فلسفه علم فیلسوفان مسلمان، مشتمل بر قواعدی پیشینی و لازم الاجراست که علوم حقیقی برهانی، باید ساختار منطقی خود را از آنها اخذ کنند. بر اساس این قواعد، هر علمی باید موضوعی داشته باشد، در تبیینها از اصول و قواعد برهان تبعیت کند، قلمرو خویش را فقط در مرزهای تعیین شده گسترش دهد و پژوهشهایش فقط به عوارض ذاتیه موضوع معطوف باشد. در فلسفه اولی نکته اخیر مراعات نشده و فیلسوفان به کرات از آن تخطی کردهاند. موضوع فلسفه اولی موجود بما هو موجود است و همه محمول های مسائل آن باید از عوارض ذاتیه آن موضوع باشند، حال آنکه بسیاری از محمول های فلسفی چنین نیستند. بسیاری از فیلسوفان این خلط روششناختی بسیار مهم را مسکوت گذاشتهاند اما برخی دیگر با اقرار و اذعان به آن، راه حلهایی عرضه کردهاند. مهمترین راه حلها دو چیز است: یکی آنکه فلسفه موضوع واحدی ندارد. دیگر آنکه قواعد علم شناختی مذکور، قواعدی استحسانی و ذوقی بوده و متابعت از آنها ضرورت ندارد. در این مقاله، راه حل اول که سابقهای کهن دارد، با اصلاحی اندک، به عنوان راهحلی روزآمد پذیرفته می شود. بر اساس این راهحل، میتوان شاخههای مختلف فلسفه را که هر یک موضوع و مسائل مستقل دارند، به اعتبار وحدت روش و بنیادین بودن مسائل، ذیل عنوان عام فلسفه قرار داد؛ به همان قیاس که علوم را ذیل عنوان علوم تجربی قرار میدهم.

کلمات کلیدی:

موضوع فلسفه، مسائل فلسفه، عوارض ذاتی موضوع فلسفه، مسائل فلسفه معاصر، توسعه قلمرو فلسفه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1628620>

